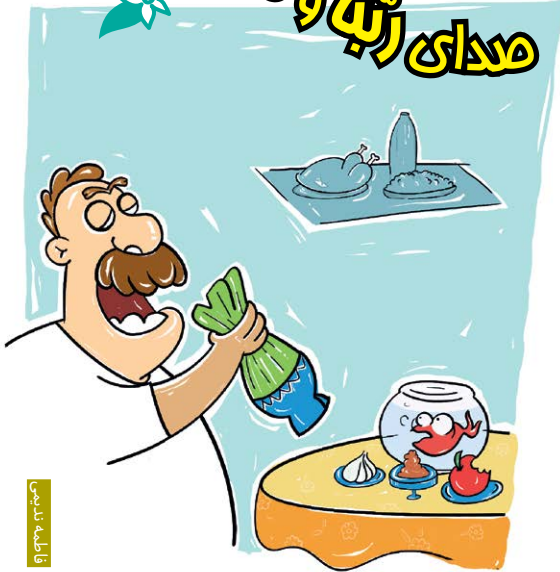


بهار، بهار، صدا همون صدا بود! صدا ی زبنا و هلب لبا بود!



فاطمه ندیمی



موضوع انشا:

عید نوروز را چگونه گذرانید؟

مریم صدیقی

را بده سرمان رفت». آن وقت عمویم یک عیدی تپیل داد و من هم تا آخر مهمانی ساکت می بودم.

همیشه وضع این جور نیست. بعضی ها خسیس تر از این حرف ها هستند. من هم بچه شان را تنها گیر می آورم و تلافی می کنم.

ای کاش من هم مثل شایان اینا سه چهارتا خواهر و برادر داشتم. آن وقت عیدی هایمان زیاد می شد؛ آنها را روی هم می گذاشتیم و کلی خوراکی می خریدیم و دور هم کیف می کردیم.

هر وقت شایان اینا با هم دعوا می کنند، کلی غصه می خورم. چون خواهر و برادری ندارم که حتی با آنها دعوا کنم.

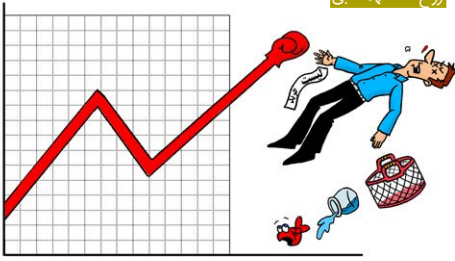
ولی پدر و مادرم می گویند به جایش همه خوراکی ها فقط برای توست. من هم در حالی که همه خوراکی ها را می خورم غصه نداشتن داداش را هم می خورم. شما این دوتا را با هم نخورید. چون خوراکی ها کوفت آدم می شود.

خلاصه نتیجه می گیریم که عید نوروز با غصه خواهر و برادر نداشته به آدم نمی چسبد، حتی با عیدی خسیس فامیل.

واضح و موبرهن می باشد که امسال عید نداشتیم. آخر این چه عیدی است که تویش ماه رمضان می باشد؟! ولی مادر بزرگم می گفت: «ماه رمضان، عید نوروز را پُر برکت می کند. بچه! سیب زمینی سرخ کرده سحری را نخور!»

ولی من به خاطر آجیل و شیرینی هایی که غایب بودند، ناراحت بودم. تلویزیون ما هم ناراحت بود. همش در مورد ضرر داشتن روزه در عید نوروز می گفت. یکی شان می گفت کوروش هم ناراحت است. از مادرم پرسیدم: «کوروش دیگر چه کسی می باشد؟» گفت: «کسی است که تا حرف کم آوردند او را از گور در می آورند.»

اولین روز عید، خانه عمویم رفتیم. من هم آنقدر تُخس بازی در آوردم تا نزن عمویم به عمویم گفت: «تو رو خدا عیدی اش



کرامات نامه اندر باب مریدی بانمک

سید محمد صادق پورمرشد

در پایانی یکی از جشن‌های پایان سال، شیخ و مریدان گندهای در فضای سبز بیرون شهر داشتند که بسیار مورد شغف و شادی گشته بود. در همین میان یکی از یاران بانمک شیخ جهت مزاح لوله‌ای باروت‌دار (بخوانید سیگارت) که از دیار چین به سوغات آورده بود به آتش کشیده به زیر پای یکی دیگر از مریدان ول کرد. از قصه مرید مذکور قلبی پیل سوختی‌دار (باتری) داشت که باعث ایست آن گردید لیکن با کوشش یاران و انجام تنفس دهان به دهان به مانند زیبای خفته از مرگ نجات یافت. فردی از میان جمع زبان به سخن گشود و گفت:

ای شیخ در مورد این عمل ناپسند افزایشی نمی‌فرمائید؟

شیخ که از صدای آن انفجار هنوز در خلسه بود اندکی زمان برد تا جواب آن جوان را پاسخ گوید و فرمود: این که اندک متقال لوله باروتی بیش نبود ولی خدا را سپاس که ما در آینده به سر نمی‌بریم چون در آینده جوانانی از سرزمین پارس میهن خویش را با معرکه‌ی جنگ اشتباه گرفته و با مخزن‌های باروتی به اندازه‌ی یک نارنج از خجالت هم درآمده و شهرهای خویش را بر روی سر خود می‌گذارند.

مریدان که درکی از این آینده نداشتند به سخنان شیخ اعتنایی ننموده (جامه‌ای دریده نگشته) نان و خرماي خویش بر بدن زده و به دیار برگشتند تا سالی نیکو را آغاز نمایند.



بعد از ...

سیدعلی رضا مهدوی‌زاده

- بعد از کار تو معدن، سخت‌ترین کار اینه که مجبور باشی وسط عید بلندی بیری از شهر بیرون، روزه تو باز کنی و برگردی آجیل تو بخوری.
- بعد از کار تو معدن، سخت‌ترین کار اینه که از همون معدن مرخص بشی و بعدش بیای تو کار گردگیری به زنت کمک کنی.
- بعد از کار تو معدن، سخت‌ترین کار اینه که ندونی گردگیری رو از کجا شروع کنی؟
- بعد از کار تو معدن، سخت‌ترین کار اینه که تو ماه رمضان به پسته‌ی خندان نگاه کنی و نتونی بخوریش.
- بعد از کار تو معدن، سخت‌ترین کار اینه که رو پولای عیدیت، به چیزی هم بذاری و بعد بدی بابت پرداخت بدهی.

روح... طهماسبی



کشف جدید محققان جنایت مذهب!

مریم صدیقی

محققان یک پژوهشگاه دغدغه‌مند، به تازگی دریافتند اگر انسان هر چند ساعت یک بار، آب، غذا و مخصوصاً آجیل نخورد به اندازه چند ساعت از عمرش کاسته خواهد شد. آن‌ها معتقدند آداب مذهبی موسوم به روزه گرفتن، مسبب کوتاهی عمر است. یکی از کارشناسان این پژوهشگاه گفت: «اگر هر ایرانی یک ماه مقارن با عید نوروز را روزه بگیرد و علاوه بر آب و غذا، آجیل هم نخورد؛ به ضرس قاطع یک ماه از عمرش کاسته می‌شود.» وی ادامه داد: «این جنایتی است که اعتقادات مذهبی در حق بشریت انجام داده است.»

محققان سپس افزودند: «ما آماده هر گونه همکاری با سازمان‌های مختلف برای انجام کشفیات از این قبیل هستیم.» و سپس با تأکید، اذعان داشتند که شرایط دریافت هزینه، ترجیحاً چک کارمندی.

